

دبیر همایش بین‌المللی "ره‌آورد جهان اسلام در مسائل زنان و واکاوی پیامدهای فمینیسم":

صدای شکست فمینیسم از زبان اندیشمندان غربی را به گوش جهانیان می‌رسانیم

زنان زهرائی جایی برای آموزه‌های فمینیسم باز نخواهند کرد



که شاید می‌توانست به عنوان یک فرصت در خدمت پژوهش قرار گیرد اما امروزه در کل جامعه بیشتر به عنوان یک تهدید رخ‌نمایی می‌کند. در بحث زنان نیز سایت‌ها و وبلاگ‌هایی که در حوزه زنان فعالیت می‌کردند در کنار نشریات تخصصی زنان و شبکه‌های غیر دولتی زنان (NGO) و همچنین در فضای زنان شاهد باز شدن فضاهای جدیدی بودیم که با توجه به اهداف نظام و جایگاه و منزلتی که برای زنان قائل است شاید تا حدی معقول و طبیعی نیز بود اما خود این مسئله قابل طرح و بستگی بود که هر کدام از این فضاها تا چه حد می‌توانند از فرصت به دست آمده در جهت دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده در جهت حفظ کرامت و تعالی شأن و منزلت زن استفاده کنند. به نظر می‌رسد اگر چه برخی از گروه‌های فعال در حوزه زنان به گونه‌ای معقول و منطقی اهداف فوق را دنبال می‌کنند اما گروه‌هایی نیز هستند که چه در فضاهای مجازی و چه در نشریات و حتی متون درسی دانشگاهی ما به انتشار و تبلیغ باورهای فمینیستی می‌پردازند.

ادامه در صفحه ۲

پر حجم و با کیفیتی نکردیم. من از همینجا تأکید می‌کنم به دستگاه‌های تبلیغاتی، به پژوهشگاه‌ها، به دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و صاحب‌نظران توصیه می‌کنم و از آن‌ها مطالبه می‌کنم که در این زمینه کار کنند. مسئله، مسئله مهمی است. ما اگر در مسئله زن در کشورمان خوب کار کنیم این خدمت به جامعه زنان در همه دنیا است. خدمت حقیقی است به مجموعه زنان در همه عالم». آن زمان که معظم له این فرمایش را داشتند این طرح به ذهن ما رسید که در دفتر امور خواهران معاونت فرهنگی رسالت داریم این مطالبه رهبری را پیگیری کنیم.

■ مسئله فمینیسم چقدر در ایران به عنوان یک چالش جدی مطرح است؟

با توجه به این که امروز فضاهای ارتباطی در دنیا مجازی شده است و مرزها شیشه‌ای شده است و بعد مکان از دست رفته و ارتباطها خصوصیت آنی و لحظه‌ای پیدا کرده‌اند، خصوصاً با کاربرد اینترنت و فضای سایبر که استفاده آن در ایران حالت قارچ‌گونه و رشد سرطانی داشته است بویژه در بین قشر دانشجویان

دبیرخانه همایش جهانی زنان در نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها در سال ۱۳۸۳ اولین همایش جهانی با عنوان مسائل زنان و جهانی سازی را برگزار کرد. در فضای آن زمان بحث تأثیرپذیری مسائل زنان از جهانی سازی بسیار شایع بود و ما می‌خواستیم فضای دانشگاه‌ها و میزان تأثیرپذیری دانشگاه‌های کشور از این مقوله را بررسی کنیم. اما در این مرحله که دومین همایش بین‌المللی زنان است بحث فمینیسم که در یکی از دو دهه اخیر رد پای آن در ایران نیز مشاهده می‌شود را مورد واکاوی قرار خواهیم داد.

■ انگیزه شما از پرداختن به این موضوع چیست؟

شاید مهم‌ترین انگیزه‌ای که باعث شد در تداوم رسالت فرهنگی به این همایش بپردازیم جمله رهبر معظم انقلاب در دیدارشان با زنان نخبه و فعال در عرصه‌های مختلف در ۱۳ تیر ماه سال ۸۶ بود که فرموده بودند: «در تقابل با تبلیغات معارض از جمله تبلیغات فمینیستی آن طور که باید کار درست، قوی

با توجه به نگاه ابزارنگارانه غرب در راستای اهداف ناصواب و ترویج و توسعه جایگاه زن از منظر تئوری‌های غربی و در ادامه شتاب گرفتن جریانات و جنبش‌های مدافع حقوق زنان در جهان و به تبع آن ایران، به نظر می‌رسد آشنا ساختن نسل جوان با دیدگاه اسلام در مسائل زنان از یکسو و بررسی و ارزیابی دقیق و نقادی علمی و واکاوی پیامدها و تأثیرات این حرکت‌ها و در رأس آن فمینیسم که ماحصل عصر عصر مدرنیته است امری کاملاً ضروری و بدیهی جهت روشنگری اذهان جوانان در فضای دانشگاه به نظر می‌رسد. به همین منظور واحد خواهران معاونت فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها همایشی تحت عنوان "ره‌آورد جهان اسلام در مسائل زنان و واکاوی پیامدهای فمینیسم" برگزار می‌نماید. خبرنگار ما در این خصوص با نیره قوی، دبیر همایش گفت‌وگویی انجام داده است که در ادامه می‌خوانید:

■ فکر برگزاری این همایش از چه زمانی کلید خورد؟

دبیر همایش بین‌المللی "ره‌آورد جهان اسلام در مسائل زنان و واکاوی پیامدهای فمینیسم":

صدای شکست فمینیسم از زبان اندیشمندان غربی را به گوش جهانیان می‌رسانیم

می‌بینید نسیم این تفکر در دو دهه اخیر در کشور ما شدت گرفته بود و از طرفی کار با کیفیت هم صورت نگرفته بود. در واقع یک عده‌ای در داخل با سوء استفاده از پسوند اسلامی خودشان فمینیسم اسلامی می‌نامیدند یا زیرکانه سعی می‌کردند اهداف غربی‌ها را که خودشان امروز آن را یک تهدید می‌دانند برای ما یک فرصت معرفی کنند و آزادی را برای دختران جوان ما به عنوان یک رویا مطرح کنند. در حالی که دین در کشور ما نهادینه شده است و نگاه اسلام به زن یک نگاه متعالی و تکامل یافته است. به علاوه در بین اندیشمندان مسلمان ما کسانی مثل شهید مطهری داریم که ۵۰ سال پیش کتاب نظام حقوقی زن در اسلام را نوشته‌اند و به واسطه آموزه‌های دینی تفکرات فمینیستی را به چالش کشیده‌اند. مطالبی که امروز در غرب مطرح می‌شود همچنین ما نگاه حضرت امام به زنان و نقش آنان در انقلاب و دفاع مقدس و کارآمدی نظام جمهوری اسلامی در بحث زنان در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی را داریم که باید از این فرصت‌ها استفاده کنیم و آن‌ها را مطرح کنیم.

■ در این راستا چقدر کار مناسب صورت گرفته است؟

واقعیت این است که متأسفانه ما در این زمینه کار نکرده ایم و کسانی که متولی این کار هستند بسیار ضعیف عمل کرده‌اند. ما منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی را داریم که مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس درآمده و قانون است اما چقدر آن را ترویج و تبیین کرده‌ایم؟ چرا این منشور که برگرفته از مبانی دینی ما است اجرایی و کاربردی نشده است؟ مقام معظم رهبری می‌فرمایند که شخصیت زن زن این توانایی را دارد که در مرتبه عالی‌ترین درجه مقام باشد و در ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... تعالی پیدا کند حضرت امام خمینی (ره) نمی‌فرمایند که زن می‌تواند در سیاست دخالت داشته باشد ذی‌رای دهد. می‌فرماید باید در سیاست دخالت کند. می‌فرماید مرد از دامان زن به معراج می‌رود. ما چقدر از این فرصت‌ها استفاده کرده ایم و آن‌ها را به دنیا معرفی کرده ایم؟ چقدر اندیشه‌های متعالی امام (ره) را در کشور خودمان کاربردی کرده ایم؟ چقدر از مبانی دینی اسلام برای ارائه یک الگوی مناسب به جهان استفاده کردیم؟ همین عملکرد ضعیف باعث شده که امروز عده‌ای جرات کنند پسوند فمینیسم را به عنوان داعیه نجات بخشی به اسلام اضافه کنند و فمینیسم اسلامی را مطرح کنند تا با زیرکی تمام ادعا کنند که باید یک قراعت جدید از اسلام داشته باشیم و در این بازخوانی جدید مبنا و ابزار را از غرب می‌گیرند و از دین به عنوان یک بستر استفاده می‌کنند و آن را به عنوان نسخه شفابخش به مردم مسلمان ما ارائه می‌کنند. این یک تفکر التقاطی است چراکه فمینیسم اسلامی معنایی ندارد. من معتقدم اگر کسی دین اسلام و الگوهای آن را بشناسد هرگز به سراغ غیر از آن نمی‌رود. اگر کسی حضرت زهر(س) را بشناسد دنبال حق و حقوق سیاسی و اجتماعی خودش درآموزه‌های به بن بست رسیده فمینیستی نمی‌گردد.

دیگر خانواده هم تشکیل نمی‌شود چون معتقدند ازدواج و دربی‌بی آن خانواده جلوی آزادی زن را می‌گیرد. در واقع می‌خواهند با منسوخ کردن خانواده موانع موجود بر سر راه آزادی زن را از میان بردارند. خانم "سوزان فالودی" در کتاب بازگشت که ما آن را در دبیرخانه همایش ترجمه کرده ایم می‌گوید: "امروز در غرب زنان آزاد هستند نسبت به تمامی زمان‌های گذشته. آن قدر آزاد هستند که دیگر هیچ چیزی مانع آن‌ها نیست. اما هیچ زمانی به این اندازه بدبخت نبودند. بیماری‌ها، استرس در نتیجه آموزه‌های فمینیستی به فروپاشی خانواده‌ها انجامید و تعریف خانواده از تعریف سنتی آن خارج شد و نتیجه آن مردان سرگردان و زنان حیران به بن بست رسیده و فرزندانی که در این میان قربانی شده‌اند و خانواده فروپاشیده شده است.



■ هنوز هم این ایده‌ها از آن غرب محسوب می‌شود؟

ما در همایش پیشین با توجه به محتوای پژوهشی صورت گرفته متوجه شدیم که غربی‌ها شروع به نقادی وضع موجود کرده‌اند و امروز به دنبال یک مفر

می‌گردند چون ما حاصل فمینیسم برای آن‌ها تنها سرگردانی و حیرانی بوده است و زن به یک موجود تنها تبدیل شده بود که دیگر خانواده و قانون گرمی از آن حمایت نمی‌کرد. ما در این همایش تلاش می‌کنیم صدای نقد غربی‌ها از جریان فمینیسم و ناهنجاری‌هایی که برایشان به ارمغان آورده بود را به دانشگاهیانمان برسانیم و از طرف دیگر رهاورد جهان اسلام را نیز در این خصوص به مخالفین عرضه کنیم. چرا که اگر معتقدیم که این تبلیغات معارض است و جایگاه زن به درستی تبیین نشده است باید نسخه شفابخش و جایگزین خودمان را که همان آموزه‌های دین مبین اسلام در بحث زنان است ارائه کنیم.

■ خود غرب هم برای خروج از بن بست فمینیسم راهکاری دارد؟

راهکاری که اندیشمندان غربی برای خروج از این بن بست پیشنهاد می‌کنند بازگشت به معنویت و بازگشت به عفاف برخاسته از تفکر مذهبی و دینی است، آن‌ها تنها راه‌جلب‌گیری از سقوط انحطاطی که غرب به دلیل ناتوانی فمینیسم و آسیب‌هایی که در پرتو نظریات فمینیستی با آن مواجه شد را دوباره زنده کردن خانواده سنتی به شکل درست و با هویت واقعی زن و مرد در خانواده به عنوان مادر و پدر که همان نقطه آغاز مودت و صمیمیت بین زن و مرد است می‌دانند. در واقع مادر آیات قرآن هم داریم که می‌فرماید: "از نشانه‌های خلقت این است که از جنس خودتان همسرانی برای آرمش شما قرار دادیم و بین شما مودت و رحمت قرار دادیم."

■ ما چقدر با این معضل مواجه هستیم و اصولاً چرا باید فمینیسم را مورد نقد قرار دهیم؟

من فکر می‌کنم این که رهبر معظم انقلاب کار در مسدول زنان را مطالبه می‌کنند به این دلیل است که

فمینیست (که شاید هم اصولاً اطلاق این عنوان درست نباشد چون تا آن زمان هنوز واژه فمینیست کاربرد نداشته است) شاهد اولین حرکت‌های نظام‌مند که به صورت نظریه‌ای که در قالب یک جنبش منسجم خود را نمایان می‌نمود مشاهده می‌شود که موفق می‌شوند در آمریکا و فرانسه به دنبال آن در دیگر کشورها حق رأی را برای زنان به دست آورند و به دست آوردن حق رأی برای زنان مساوی شده بود با به دست آوردن تمام حقوق از دست رفته و عقده‌های فروخورده شده. در حالی که مادر همان ابتدای پیدایش دین اسلام شاهد حضور پررنگ زنان در اجتماع و مشارکت سیاسی فعالانه آن‌ها به عنوان مثال در جنگ‌های صدر اسلام، در بیعت با پیامبر(ص)، در هجرت به حبشه، در اقتصاد و تجارت و... هستیم. اما در موج دوم و سوم دیگر به این حقوق به دست آمده اکتفا نکردند و خواستار برابری در کلیه زمینه‌های سیاسی-اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... شدند. یعنی زنانی که تا دیروز جز حق حیات ظاهری حق دیگری نداشتند به یکباره خواستار برابری با مردان در همه زمینه‌ها شدند.

■ این خواسته با توجه به رفتارهای سرکوب‌گرایانه و تحقیرآمیز گذشته طبیعی به نظر می‌رسد درست است؟

بله. ما تا اینجا نقدی به فمینیسم نداشتیم و طبیعی است که اگر به یک موجود انسانی اعم از زن یا مرد آن گونه که در غرب به زن نگاه برده‌اند و منهای هر گونه حقوق انسانی می‌شد، نگاه کنیم خود را مطالبه می‌کنند. اما به این نکته اکتفا نمی‌شود و برابری خواهی تبدیل به تساوی به معنای تشابه می‌شود و بدون در نظر گرفتن ویژگی‌ها و تفاوت‌های موجود خواهان برابری حقوقی می‌شوند. در حالی که در بینش اسلامی هر تفاوتی ثبت وجود یک مسئولیت متفاوت است و مسئولیت متفاوت تکالیف و حقوق متفاوت در پی دارد. اما غرب عدالت و برابری را به معنای تشابه و مثل هم بودن می‌گیرد و آن را عدالت می‌داند نه این که هر کس به همان میزان که تکلیف دارد و به همان میزان که شایستگی دارد حق داشته باشد. همان طور که در موج سوم شاهد آن هستیم که این برابری خواهی به برتری طلبی می‌انجامد چون تفکر فمینیستی نقطه آغاز انحراف از انسانیت و به انحطاط بردن آزادی است.

■ علت مخالفت فمینیست‌ها با خانواده چیست؟

شما می‌دانید که نقطه آغاز ارتباط زن و مرد در تمام ادیان و فرهنگ‌ها از تشکیل خانواده شروع می‌شود بنابراین از دواج در نوک تیز پیکان مبارزات طرفداران فمینیسم قرار می‌گیرد. در حالی که در تمام ادیان از دواج به عنوان یک آموزه دینی مطرح بوده است اما در غرب تحت تاثیر تفکرات فمینیستی تقدس خود را از دست می‌دهد و به یک نهاد قانونی تبدیل می‌شود.

در موج سوم فمینیسم از سال ۱۹۷۰ به بعد از این حد فراتر می‌روند و در باره تعریفی که از دواج انجام می‌دهند از دواج به یک "ناهمجنس خواهی اجباری" تبدیل می‌شود از دواج مصداق خشونت علیه زن می‌شود. خوب اگر از دواج صورت‌نگیرد

ادامه از صفحه اول

حتی در صورت صحت این ادعا که فضای مجازی در اختیار ما نیست و نمی‌توانیم جلوی هجوم فرهنگی و تبلیغ باورهای غلط در آن را بگیریم، اما واقعیت این است که حتی فضاهایی که در اختیار خودمان بوده مانند کتب درسی، رمان‌ها، فیلم‌ها و... نیز که بر ایمنان قابل کنترل بود به واسطه غفلت‌هایمان از دستمان گرفته شده است.

■ واقعاً ما در کتب درسی مان مطالب فمینیستی داریم؟

بله، با این تفاوت که در برخی رشته‌ها به صورت بخشی و گذری و در برخی رشته‌ها در کل رشته و گرایش و جای‌جای مباحث مطرح شده در آن ردیای فمینیسم دیده می‌شود. به عنوان مثال در رشته‌های علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی، مطالعات زنان و مطالعات خانواده شاهد وجود مطالب فمینیستی هستیم.

■ و این مطالب چگونه به متون درسی ما راه پیدا کرده‌اند؟

شاید برخی از مؤلف‌ها غافل از این بودند که این مطالب از آبخور نظریات فمینیستی سرچشمه می‌گیرد و لایه لایه دروس انسانی از این مطالب استفاده کرده‌اند مانند علوم روانشناسی که تئوری‌های غربی وارد ایران شده است اما در مباحث مربوط به زنان و خانواده در خوشبینانه‌ترین حالت برخی کتاب‌ها سرشار از نگاه فمینیستی هستند. متأسفانه این‌ها توجه به این نکته نداشتند که مبانی غربی مناسب همان شرایطی است که غرب در آن قرار دارد. چرا که در غرب در طول تاریخ همواره نگاه پست و فرودستانه‌ای به زن وجود داشت و این پیشینه باعث شده بود که غرب جایگاهی عزتمند و انسانی برای زن قائل نباشد و آن‌ها به دنبال دستیابی به حقوق اولیه انسانی برای زن‌ها نهضتی را به وجود آوردند.

شهید مطهری تعبیر زیبایی در این خصوص دارند و آن این است که: «در گذشته از زن حق حیات سلب می‌شد ولی در دوران مدرن در غرب حق زن بودن از زنان سلب شد». در واقع زن آمد حقوق اولیه را به زنان بدهد و در پی احقاق حق بود چرا که زن اصولاً در غرب هیچ حقی نداشت. حق مالکیت، حق مشارکت سیاسی، حق اشتغال و حتی حق ارث بردن نداشت. اما نسخه‌ای که برای مشکل آن‌ها نوشته شده برای سایر فرهنگ‌ها و مکاتب قابل تجویز نیست.

■ چطور مطالبه این حقوق حداقلی به ایجاد نهضت فمینیسم منجر شد؟

درست است. در ابتدا تمام این تلاش‌ها برای به دست آوردن حقوق اولیه و حق رأی صورت می‌گرفت در حالی که ما در اسلام ۱۴۰۰ سال پیش حقوق زنان را به صورت کامل و متعالی داشتیم و تفاوتی که در رشد و تکامل بین زن و مرد در اسلام نیست. منتهی هر جا در اسلام تکلیف و مسئولیت بین زن و مرد متفاوت است، حقوق هم متفاوت است و اگر مسئولیت یکی است حقوق هم برابر است چرا که جایی که مسئولیت‌ها متفاوت است عدالت در این است که حقوق هم متفاوت باشد و جز این عین ظلم است. به هر حال بعد از بیش از ۲ قرن تلاش فعالان حقوق زن در غرب موفق شدند بعد از جنگ جهانی اول در اولین موج

ایران کارنامه درخشانی در توجه به جایگاه و مسئولیت زنان دارد

معاون فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها گفت: خوشبختانه ایران کارنامه درخشانی در توجه به جایگاه و مسئولیت زنان دارد که قابل تقدیر است. حضور مسئولان و اندیشمندان زن مسلمان در موقعیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی گواهی این مطلب است.

به گزارش مرکز ارتباطات و اطلاع‌رسانی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها "ماوا"، حجت الاسلام داوود رنجبران در نشست خبری دومین همایش جهانی مسائل زنان با عنوان "رهاورد جهان اسلام در مسائل زنان و واکاوی پیامدهای فمینیسم" اظهار داشت: بر اساس رصد معاونت فرهنگی نهاد تحت عنوان فمینیسم و طرفداری از حقوق زنان خیانت‌های بزرگی به زنان انجام داده که برخی از افراد فریب خورده در کشور هم با توجه به این که مشی آن‌ها دنباله روی از تفکرات غربی است همان مواضع را دنبال کردند که غربی‌ها در ظاهر برای زنان ایجاد می‌کند و می‌خواهند که این مشی را به ما منتقل کنند.

وی گفت: اندیشمندان غربی به این نتیجه رسیدند که درست است که زنان در غرب به طور کامل از همه قیود آزادند حتی از قید تشکیل خانواده و تعهد به فرزند پروری اما در عین داشتن این آزادی در هیچ دوره‌ای به این اندازه بدبخت نبوده‌اند.

حجت الاسلام رنجبران گفت: بر اساس بررسی‌های عمومی، به نظر موجهی از طرفداری از فمینیسم در جهان اسلام توسط استکبار جهانی در حال رقم خوردن است و کشورهای مسلمان تحت این تهاجمات فرهنگی قرار گرفتند.

وی اظهار داشت: با توجه به تأکید مکرر رهبر معظم انقلاب به جایگاه زنان نهاد نمایندگی ۵ و ۶ اسفند ماه در تالار علامه امینی دانشگاه تهران دومین همایش بین‌المللی مسائل زنان با عنوان "ره آورد جهان اسلام در مسائل زنان و واکاوی پیامدهای فمینیسم" را برگزار می‌کند.

معاون فرهنگی نهاد نمایندگی تصریح کرد: با توجه به این که معظم له رسالت پرداختن به این بحث را بر عهده مراکز تحقیقاتی، دانشگاه‌ها و

فرهنگی، مجمع جهانی تقریب مذاهب، مجمع جهانی اهل بیت(ع)، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه الزهراء(س)، گروه مطالعات زنان دانشگاه‌های (تربیت مدرس، تهران، تربیت معلم، علامه طباطبایی(ره) و دانشگاه الزهراء(س))، گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی تهران، واحد خواهران دانشگاه امام صادق(ع)، جامعه المصطفی العالمیه، جامعه الزهراء(س)، موسسه فرهنگی اندیشه شرق و دانشکده علوم قرآنی همکاری خواهند کرد.

حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری پیرامون زن و قرار دادن در موضوعات مختلف همایش، گزارش نشست‌های مقدماتی - تخصصی و کارگاه‌های آموزشی در دانشگاه‌ها در سایت منظور است.

وی در ادامه فعالیت‌های انجام شده برای همایش خاطر نشان کرد: تشکیل کارگروه تخصصی درباره بررسی رذای فمینیسم در متون درسی دوره دبیرستان و رشته مطالعات زنان و مطالعات خانواده در دانشگاه(تهیه گزارش جهت اقدامات لازم از طرف مسئولان



حجت الاسلام رنجبران با بیان این که پرداختن به بحث‌های فمینیستی از دو بعد داخلی و بین‌المللی حائز اهمیت است، اظهار داشت: گاهی وقت‌ها مدافعان حقوق بشر علاقه دارند که ما را محکوم کنند که جایگاه زنان در کشور ایران نادیده گرفته می‌شود. هدف اصلی همایش این است که ثابت کند نه تنها این مسئله وجود ندارد بلکه اگر مشکلاتی هم وجود دارد بلوغ، آگاهی و مسئولیت‌پذیری نظام جمهوری اسلامی ایران اقتضا می‌کند تا با این مشکلات روبرو شود و راه را برای رشد، تعالی و محکم‌تر کردن بنیان‌های خانواده و رسالت‌های زنان و مردان هموار کند.

وی به اقدامات انجام شده در برگزاری همایش جهانی زنان اشاره کرد و گفت: از فعالیت‌های انجام شده می‌توان به تشکیل شورای سیاست‌گذاری برای برنامه ریزی، تشکیل شورای علمی و تأمین محتوای علمی - فرهنگی همایش و ارزیابی داوری مقالات با تشکیل سه کمیته (فارسی، انگلیسی و عربی)، تشکیل سه کارگروه تخصصی، راه‌اندازی سایت ویژه همایش (برای اطلاع‌رسانی، تبلیغات و برقراری ارتباط و دریافت مقالات از داخل و خارج، ارسال برنامه ویژه همایش و دانش‌افزایی مخاطبان جهت تدوین مقالات در این راستا) را اعلام کرد که از بین مقالات و کتب موجود پس از بررسی ۷۰۰ جلد کتاب درباره موضوعات همایش و انتخاب ۱۵۰ جلد و بررسی و ارزیابی اکثریت مقالات موجود ۸ هزار و ۲۰۰ مقاله در موضوعات زن، خانواده و نقد آن به همراه کلیه اسناد مصوب در جمهوری اسلامی پیرامون زنان برای مخاطبان شناسایی و در بخش خانه کتاب سایت قرار داده شد.

معاون فرهنگی نهاد اضافه کرد: محتوای کتب موجود در نقد فمینیسم در سایت قرار دارد همچنین معرفی و بهره‌برداری کاربران دانشگاهی، جمع‌آوری بیانات و فرمایشات

آموزش عالی و آموزش و پرورش)، تشکیل کارگروه تخصصی بررسی چگونگی تأثیرپذیری رسانه‌های تصویری سینما از آموزه‌های فمینیستی و میزان نفوذ آن با تهیه فیلم به مدت یک ساعت با عنوان زن رسانه تصویر ناتمام، تشکیل کارگروه بررسی پیامدهای منفی فمینیسم برای تأمین محتوای نمایشگاه به همین منظور از دیگر برنامه‌ها است.

حجت الاسلام رنجبران به فعالیت‌های فرهنگی صورت گرفته نیز اشاره کرد و افزود: تهیه کلیپ ویژه از گروهی از دانش‌آموختگان دانشگاه و حوزه با عنوان "چرا مسلمان شدم؟"، تهیه کلیپ ویژه همایش از شخصیت‌های حقیقی و حقوقی پیرامون چگونگی رفتار در خارج از ایران با زنان میهمان در محافل و مجالس علمی - فرهنگی، تولید و آماده‌سازی مصاحبه با صاحب‌نظران آمریکا و فرانسه پیرامون نقد فمینیسم، تهیه نرم‌افزار ویژه مولتی‌مدیا به زبان فارسی انگلیسی و عربی از اطلس پوشش حدیث حسن در ۵ بخش (پوشش در فطرت، پوشش در تمدن‌ها، پوشش در ادیان، کشف حجاب، بازگشت به عفاف) از جمله فعالیت‌های فرهنگی انجام شده در خصوص همایش است.

معاون فرهنگی نهاد نمایندگی همچنین با اشاره به فعالیت‌های علمی همایش اظهار داشت: بررسی مقالات، ارزیابی و داوری از سوی کمیته انگلیسی، عربی و فارسی تعدادی از ۴۰۰ مقاله فارسی ارسالی به دبیرخانه از داخل و خارج به ۸۰ مقاله انگلیسی و عربی از ۲۵ کشور، انتخاب مقالات برگزیده و چاپ آن، انتشار کتاب چکیده مقالات، چاپ کتاب مقالات برگزیده ۲ جلد، در بخش فارسی، انتخاب ۲۵ مقاله از بین ۱۰۰۰ مقاله بررسی شده در سایت‌ها جهت اعلام نقطه سقوط و فروپاشی فمینیسم از زبان اندیشمندان غربی و ترجمه آن، چاپ کتاب مجموعه مقالات جهت بررسی پیامدهای منفی

فمینیسم از زبان اندیشمندان غربی با همکاری مرکز پژوهش‌های صدا و سیما در قم مجله سیاحت غرب، ترجمه و تلخیص ۶ جلد کتاب در نقد و بررسی سقوط آموزه‌های اخلاقی و دینی به دلیل پیامدهای منفی فمینیسم در غرب چاپ در دو جلد، آماده‌سازی مآخذشناسی نقد فمینیسم تعداد ۶۰ جلد کتاب و قریب به ۲۰۰ عنوان مقاله به صورت کتابنامه برای چاپ، آماده‌سازی مآخذشناسی (پوشش تعداد ۹۰ عنوان طرح پژوهشی، ۸۰ پایان‌نامه، ۶۱۰ عنوان مقاله، ۱۳۰ جلد کتاب)، تدوین کتاب بررسی وضعیت زنان در جمهوری افغانستان (با توجه به آنکه افغانستان نقطه آغاز مدل غربی سازی کشورهای اسلامی در راستای اهداف فمینیستی غرب است) و تهیه جزوات ویژه نقد فیلم و پیامدهای آن را می‌توان از فعالیت‌های علمی دومین همایش دانست.

وی افزود: برنامه‌ریزی برای اجرای همایش دو روزه در طول مدت برگزاری، اطلاع‌رسانی و تبلیغات، دعوت از شخصیت‌های علمی - فرهنگی برای حضور در برنامه همایش، هماهنگی و مشارکت با گروه‌ها، تشکل‌ها و مراکز علمی - فرهنگی داخلی برای برگزاری همایش، دعوت از صاحبان مقالات برگزیده با هماهنگی بخش‌های مختلف دانشگاه‌ها، مجمع تقریب مذاهب، مجمع جهانی اهل بیت(ع)، وزارت امور خارجه، مراکز فرهنگی مرتبط با دانشگاه‌ها، امور بین‌الملل و همکاری و مشارکت در برگزاری نشست‌های علمی - فرهنگی در دانشگاه‌ها (۲۰ نشست) که از برنامه‌های اجرایی در همایش است.

حجت الاسلام رنجبران اضافه کرد: از فعالیت‌های جنبی در برگزاری همایش را می‌توان به برگزاری نمایشگاه پوشش و نمایشگاه پیامدهای منفی فمینیسم اشاره کرد. وی افزود: فعالیت‌های ویژه بر اساس اهداف همایش شفاف‌سازی و تبیین عملکرد غرب پیرامون خشونت علیه زنان علی‌رغم ادعای احقاق حقوق زنان، بارویکرد فمینیستی در طی میزگردها، سخنرانی‌ها، کلیپ و فیلم در روز همایش، اعلام عدم تحقق ادعای غرب (آمریکا و اروپا) مبنی بر این که منجر زنان می‌باشند و رسیدن به مرحله رویکردانی از تفکر فمینیسم و نقد آن، شتاب بخشیدن به روحیه مطالبه‌گری از غرب در وعده‌های دروغین درباره حقوق زنان، عدم توجه فمینیست‌ها به خواسته‌های واقعی زنان (حق زن بودن، همسر بودن و مادر بودن)، مطالبه حقوق زن فلسطینی از مدعیان دفاع از حقوق زنان به همراه تصاویر جنایات توسط یک زن فلسطینی، تهییج روحیه مطالبه‌گری در دانشجویان برای کاربردی کردن آموزه‌های اسلامی در عرصه مسائل زنان در دانشگاه‌ها، برگزاری کارگروه‌های تخصصی برای بررسی پیشنهاد(روز جهانی زن) در راستای ترویج عفاف و حجاب در ایران در کشورهای اسلامی و در نهایت تشکیل کارگروه ویژه برای بررسی پیشنهاد و تنظیم منشور خانواده در کشورهای اسلامی با توجه به منابع موجود داخلی و منشور پیشنهادی(قاهره) از جمله اقدامات و فعالیت‌های ویژه‌ای بود که بر اساس اهداف همایش انجام شده است.

وی در پایان سخنان خود گفت: همچنین در پایان برگزاری همایش از مقالات برگزیده تقدیر می‌شود.

لزوم تشکیل وزارت امور خانواده، زنان و جوانان

استاد دانشگاه تربیت معلم تاکید کرد: لازم است وزارت امور خانواده، زنان و جوانان تشکیل شود تا این وزارتخانه به طور جدی، مشخص و متمرکزتر به اصلاح امر "خانواده"، "جوانان" و "زنان" بپردازد.

دکتر شهلا باقری، استاد دانشگاه تربیت معلم در گفت و گو با "آوای نهاد" بایبان این که در نظام جمهوری اسلامی توجه خاصی به مسئله زنان و خانواده شده است، گفت: در اسناد بالا دستی نظام جمهوری اسلامی و منجمله اصل هجدهم از اصول سیاست های فرهنگی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی که بیانگر سیاست های کلان فرهنگی کشور است اهتمام به مشارکت فعال زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، هنری و سیاسی و تقویت شخصیت زن مسلمان به عنوان مادر و ترویج و فراهم آوردن زمینه های لازم برای ایفای نقش و رسالت اساسی فرد به عنوان مربی نسل آینده مورد توجه قرار گرفته است.

عضو کمیسیون خانواده شورای عالی انقلاب فرهنگی تصریح کرد: با این وجود تبدیل سیاست های کلان نظام به راهکارهای اجرایی می تواند گامی بلند و مهم برای تحقق آرمان های فرهنگی و ارتقای فرهنگ خانواده ارزیابی شود. این امر با توجه به این که در برنامه های توسعه کشور تا کنون بخش یا مجموعه مستقلی تحت عنوان "خانواده" وجود نداشته است و این مهم به صورت غیر متمرکز و پراکنده و ناهمگون تقبی می گردید است، از ضرورت بسیار برخوردار است.

این استاد دانشگاه توضیح داد: خانواده در یک رویکرد اجتماعی مجموع زن و شوهر و فرزندان است و یک گروه اجتماعی محسوب می شود که برای رسیدن به مقاصد خویش چه در کوتاه مدت و چه در بلند مدت اهداف خرد و کلانی را ترسیم کرده و برای رسیدن به این مقاصد محتاج برنامه ریزی است اما این موضوع نافی تمهیدات سازمانی و اجرایی مناسب و در قالب برنامه ریزی های کلان حکومتی نیست و برنامه ریزی های توسعه فرهنگی در حوزه خانواده از ضرورت پایه ای برای تحقق جامعه سالم برخوردار است.

وی با اشاره به نتایج سوء پدیده جهانی شدن بر بنیان خانواده در غرب افزود: از نتایج تحول در هویت جنس با روند موجود جهانی سازی و بویژه سرمایه داری، کم شدن انگیزه تشکیل خانواده، افزایش تک زیستی، تزلزل ساختار خانواده، افزایش طلاق، ظهور اشکال جدید همزیستی و گسترش همجنس گرایی است.

دکتر باقری در توضیح این مطلب عنوان کرد: به بیان دیگر هیچ یک از دو جنس موجودیت خود را به عنوان صنفی مستقل و واجد کارایی ها و مسئولیت های خاص به رسمیت نمی شناسند، تمایلات زنانه و مردانه در آنان کمرنگ است، به ایفای نقش های خاص علاقهای ندارند و برای این منظور آموزش ندیده اند.

استاد دانشگاه تربیت معلم در خصوص نگاه جمهوری اسلامی ایران به مقوله خانواده تصریح کرد: چشم انداز ملی خانواده در نظام جمهوری اسلامی ایران به معنی برخوردار

زنان از تکریم روانی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی حق همسری و مادری و توجه به نیازهای خانواده و اجتماع با توجه به نقش های مکمل زن و مرد در خانواده و اجتماع و نیز بهره مندی جوانان خانواده از ازدواج سالم، بهنگام، آسان و اشتغال مناسب است. وی در خصوص جایگاه زن و خانواده در قوانین ایران گفت: قانون

اساسی جمهوری اسلامی ایران نگاه ویژه ای به زن و خانواده دارد به گونه ای که در مقدمه این قانون خانواده را واحد بنیادین جامعه و قانون اصلی رشد و تعالی انسان می داند و در آن آمده است: زن در چنین برداشتی از خانواده شریک مرد در میدان های فعال حیات می باشد و در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی بالاتر خواهد بود.

دکتر باقری افزود: همچنین اصل ۱۰ قانون اساسی می گوید: «از آنجا که خانواده واحد بنیادین جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی های مربوط، باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاقی اسلامی باشد» و اصل ۲۱ قانون اساسی نیز دولت را موظف به تضمین حقوق زنان در تمام جهات با رعایت موازین شرعی



می نماید. استاد دانشگاه تربیت معلم ادامه داد: در سایر قوانین نیز نگاه ویژه ای به مقوله زن و خانواده شده است که به عنوان مثال می توان به سند چشم انداز ۲۰ ساله، سیاست های ابلاغی کلی برنامه چهارم و پنجم توسعه که از جانب رهبری نظام صادر شده است و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجمع تشخیص مصلحت نظام اشاره کرد که در تمام آن ها به حقوق و تکالیف زنان و وظایف حکومت اسلامی در جهت تقویت خانواده و توجه ویژه به جایگاه زن توجه خاصی صورت گرفته است.

وی تأکید کرد: مطابق با اصل رویکرد نظام مند به خانواده، این نهاد از نظر ساختار، کلتی قابل تقسیم است ولی از نظر نقش و وظیفه ای که انجام می دهد یک کل غیر قابل تقسیم است زیرا در اثر تفکیک، بعضی از خواص ضروری اش از دست می رود. بنابراین نگاه نظام مند به خانواده در جایگاه برنامه ریزی، سیاست گذاری و قانون گذاری این امکان را فراهم می آورد که اهداف و وظایف خانواده مورد تجزیه و مناقشه قرار نگیرد.

دکتر باقری در پایان خاطر نشان کرد: در این راستا ضروری به نظر می رسد که "سازمان ملی جوانان" و "مرکز امور زنان و خانواده"، "کارگروه ملی خانواده" و "سازمان بهزیستی" به سطح وزارت امور خانواده و جوانان ارتقاء باید تا این وزارت به طور جدی، مشخص و متمرکزتر و براساس عقل و شرع به اولویت در اصلاح امر خانواده، جوانان و زنان همت گمارد.

سیده مژگان سخایی، استاد دانشگاه امام صادق (ع):

مخالفت با قوانین الهی علت افول و فروپاشی فمینیسم است

انگاشته است در این نزاع مقهور است و منهدم می شود.

■ چه شواهدی برای این افول می توان ذکر کرد؟

ببینید این گونه مکاتب چون فاقد نگاه سیستمی به معنای انتظام درونی در ابعاد مختلف هستند، یعنی صدر و ذیل آنان با هم مخالف است معمولاً دیر یا زود از درون دچار یک فرسایش و فروپاشی می شوند و از آنجا که برای دفاع از انسان سخن می گویند در حالی که انسان را به درستی نشناخته اند، آنچه برای دفاع از انسان چه زن و چه مرد بیان می کنند جامع و مانع نیست و مشکلی را حل می کنند و صدها مشکل دیگر ایجاد می کنند.

فمینیسم از زمره این مکاتب است، بررسی موج های مختلف فمینیسم و تعارضات موجود در بدنه آن، اعتراضات شدید پیروان این مکاتب و نقادان بیرونی، مطالعه آماری از نتایج حاصله از این نظرات در حوزه های مختلف خانواده، کار و اجتماع، بیگانگی زنان از خویش، فقدان آرامش و عده داده شده و... همه بیانگر این است که این جنبش نه تنها مشکلی را حل نکرده است بلکه به مشکلات زنان نیز افزوده است. فروپاشی این مکتب مشهود است. موج های مختلف مخالفان در عرصه های فردی، خانوادگی و اجتماعی بیانگر این مطلب است. تغییر مواضع داعیه داران فمینیسم نیز صحت این ادعا را ثابت می کند.



مربوط می کند و انسجام می بخشد. این سنت های الهی چونان چتری فراگیر بر پدیده های عالم سیطره انداخته و آن ها را نظام بخشیده است و هیچ راه فراری از این قوانین الهی نیست. هر گونه حرکت، جنبش، مکتب و... که در مخالفت و ستیز با این سنت ها باشد ماندگار نخواهد بود و از هم خواهد گسیخت. از این رو جنبش فمینیسم که در عرصه های مختلف با سنت ها و قوانین الهی به مخالفت برخاسته و ربوبیت الهی را نادیده

■ علت عدم اقبال فمینیسم چیست و چرا امروز با افول مواجه شده است؟

در توضیح این افول که امروز فمینیسم با آن مواجه شده است می توان گفت که فمینیسم به جای این که بتواند سلامت و هویت زن را حفظ کند و هماهنگی بین زن و مرد را ایجاد کند به نزاع جنسیتی پرداخته است و اختلافات را دامن زده است. اخلاق و خانواده را نابود کرده است و روابط خانوادگی و زندگی زناشویی را از هم پاشیده است. آنچه که از دست رفته به آسانی بر نمی گردد. جوانان امروز دیگر به فمینیسم وفادار نیستند و به دنبال پاسخ های دیگری برای مشکلاتشان هستند. فمینیست ها در تعریف مجدد شان از زن طبیعت او را فراموش کرده اند و اخلاق را از روابط جنسی کنار گذاشته اند. در واقع فمینیسم نه تنها برای زن پیشرفتی نیاورده است بلکه روابط زن و مرد را بدتر کرد و این همان بن بست فمینیسم است.

■ اشاره ای داشتید به ناسازگاری فمینیسم با فلسفه خلقت و آموزه های دینی. به نظر شما علت عدم ماندگاری این جریان را می شود در این موضوع جستجو کرد؟

بله. اصولاً از منظر توحیدی هر آنچه برخلاف سنت های الهی باشد ماندگار نیست. خداوند که رب العالمین است و کنترل و مدیریت حقیقی

مکاتب مختلفی که درباره انسان، نقش های اجتماعی او و زندگی فردی و خانوادگی اش بدون شناخت پروردگار سخن می گویند و یا به طور خاصی مانند فمینیسم به زن و در صدد دفاع از حقوق او و تعریف جنسیت اش می پردازند معمولاً دیر یا زود از درون دچار یک فرسایش و فروپاشی می شوند چرا که این نوع مکاتب فاقد نگاه سیستمی به معنای انتظام درونی در ابعاد مختلف هستند. "آوای نهاد" در خصوص وضعیت پیش روی فمینیسم با دکتر سیده مژگان سخایی، استاد دانشگاه امام صادق (ع) به گفت و گو نشست که ماحصل آن در زیر می خوانید:

■ لطفاً بفرمائید امروز جنبش فمینیسم در چه وضعیتی قرار دارد؟

جنبش فمینیسم امروز در حال غروب کردن است چرا که در تحقق بسیاری از وعده های خود به بن بست رسیده است و مشکلات بسیاری را فراروی زنان، مردان، اجتماع و تاریخ ایجاد کرده است. اگر به ۵۰ سال گذشته برگردیم در می یابیم فمینیسم رویایی بود که به زنان قول شادی و موفقیت داد. اما زنان امروز ناخوشنودتر و ناموفق ترند. نقشه فمینیسم با واقعیتی که خداوند آفریده است نمی خواند و از این رو نمی تواند به قولش عمل کند و بنابراین می توان ادعا کرد امروز فمینیسم به طرز فجیبه شکست خورده است.

فمینیست‌ها کنوانسیون رفع تبعیض را با وجود اعتراضات شدید کشورهای اسلامی تدوین کردند

با پایان یافتن جنگ سرد و از بین رفتن رقابت‌های ایدئولوژیک بین ابر قدرتها هر چند رقابت‌های سیاسی از بین رفته بود اما جهان شاهد دسته‌بندی‌های تازه‌ای در مباحث حقوق بشر گردید. "آوای نهاد" در خصوص سهم زنان در حقوق بشر و نحوه مشارکت کشورهای اسلامی در روند شکل‌گیری حقوق با دکتر احمد رضا توحیدی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد اراک گفت و گویی انجام داده است که در ادامه می‌آید:

■ جایگاه زن در حقوق بشر کجاست و چه میزان در قوانین حقوق بشری حقوق زن دیده شده است؟

در مقدمه منشور ملل متحد بر برابری زن و مرد و نیز بر ایمان به حقوق اساسی بشر، کرامت و ارزش انسان و حقوق برابر زن و مرد تأکید و در ماده ۱ منشور، اعتلای حقوق بشر بدون هیچ تمایزی بین افراد بشر از جمله از نظر جنسیت به عنوان یکی از اهداف ملل متحد اعلام شده است. لذا با دقت در می‌یابیم که موضوع برابری زن و مرد علاوه بر منشور ملل متحد در اعلامیه جهانی حقوق بشر و هم در میثاق‌های حقوق بشر (حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) مورد توجه قرار گرفته است. کما آنکه در سال ۱۹۴۶ در کمیسیون حقوق بشر کمیته فرعی مقام زن تشکیل شد و پس از چندی با توجه به اهمیت مسئله برای سازمان ملل و اصرار فعالان جنبش زنان این کمیته فرعی به کمیسیون مستقلی برای ارتقای منزلت زن تبدیل شد و ماموریت اصلی آن تدوین و ارائه توصیه‌نامه‌هایی درباره موضوعات مهم و ضروری درباره حقوق زنان تعیین گردید. این کمیسیون پس از تصویب چند پیمان‌نامه در خصوص حقوق زنان در نهایت کنوانسیون رفع هرگونه

زنان مسلمان به روشنی دین اسلام را بخشی از هویت خود تلقی کرده و نمی‌خواهند هویت زنانه خود را به شکلی ترسیم کنند که آشکارا سکولار و غیر دین محسوب گردند

تبعیض علیه زنان را تدوین کرد و در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید.

■ رویکرد کشورهای اسلامی بر این کنوانسیون چگونه بود؟

چه در زمان تدوین این کنوانسیون در کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل برخی نمایندگان مباحث را با شتاب و سرعت بسیار دنبال کردند و اصرار داشتند که متن این کنوانسیون در اجلاس همان سال مجمع عمومی به تصویب برسد. به همین علت بسیاری از نمایندگان از این تجلیل و شتاب‌زدگی ناخشنود بودند و می‌خواستند این پیمان‌نامه مهم با دقت بیشتری مورد بحث قرار گرفته و با جلب نظر مخالفان با رای بیشتری به تصویب برسد.

از بین کشورهای اسلامی خانم رحمان

نماینده بنگلادش اعلام کرد که پس از بررسی و مطالعه بسیار تصمیم گرفته است که از رای دادن به پیش نویس امتناع نماید. البته نگرانی از عجله و شتاب در تصویب پیمان‌نامه منع تبعیض علیه زنان خاص کشورهای اسلامی نبود و شماری از نمایندگان کشورهای کاتولیک در مقایسه با کشورهای اسلامی موضع سخت‌تری داشتند. برای مثال نمایندگی مکزیک به

پیش نویس به رای گیری گذاشته شد و پس از مذاکرات و مباحثات بسیار در کمیته سوم به تصویب رسید. گفتنی است پاره‌ای از مواد این پیمان‌نامه با مخالفت شمار قابل توجهی از کشورهای اسلامی به تصویب رسید.

■ علت مخالفت کشورهای اسلامی با این کنوانسیون چه بود و چه اصولی در این کنوانسیون رعایت نشده بود که مورد اعتراض کشورهای اسلامی



قرار گرفت؟

عنوان کنوانسیون رای مخالف داده بود و عنوان داشت: پیمان‌نامه‌ای با این اهمیت را نمی‌توان با این شتابزدگی تصویب کرد. به اعتقاد من متن پیش نویس هنوز برای تصویب آماده نشده است و به همین علت نمایندگان آن کشور به آن رای مخالف داده است. همچنین خانم ورازای نماینده کشورهای اسلامی مراکش در مخالفت با این پیش نویس گفت: متأسفانه نمایندگان بعضی از کشورها نمی‌توانند این نکته مهم را درک کنند که ایجاد نوعی موازنه عادلانه بین نظام‌های حقوقی موجود امری حیاتی و ضروری است. افراط‌گری هرگز نمی‌تواند ما را به اهداف و نتایج مورد انتظار برساند. ما نمی‌توانیم نگرش خاصی را صرفاً به دلیل اینکه در زمینه خاصی و در قاره معینی مناسب است به دیگران تحمیل کنیم. در نتیجه نمایندگی این کشور تاسف خود را از فقدان هرگونه تفاهم که بر جریان مذاکرات در کمیته سوم حاکم بود اعلام می‌دارد. موریتانی نیز یکی از کشورهای اسلامی بود که در جریان مذاکرات کمیته سوم به متن پیش نویس رای ممتنع داد. آقای ولد سید احمد وال نماینده این کشور اعلام کرد که این سند مهم نیاز به مطالعه بیشتری دارد. به هر حال طرفداران افراطی حقوق زنان به این مخالفت‌ها اعتنا نکرده و به رقم اعتراض شدید نمایندگان کشورهای اسلامی و نمایندگان با تعلقات فرهنگی مختلف متن

تغییر کرده و بسیاری از کشورهای اسلامی به عضویت این کنوانسیون درآمده‌اند اما شماری از آنها حق شرط‌های گسترده و ویرانگری بر این کنوانسیون وارد ساخته و اعتبار آن را در هم شکسته‌اند.

وارد ساختن شرط‌های مخرب و ویرانگر در اسناد تصویب کشورهای اسلامی مشروعیت و اعتبار کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان را با چالش جدی مواجه ساخته و این گمان را ایجاد کرده است که عمل تصویب یا الحاق دولت‌ها به این کنوانسیون صرفاً از نظر سیاسی اهمیت دارد و دولت‌های عضو و واردکنندگان این شروط ویرانگر هرگز قصد ندارند هیچ‌گونه تعهد حقوقی را بپذیرند چرا که دولت‌های دارنده این شروط کلی و گسترده در واقع تعهدی افزون بر قوانین داخلی خود بر عهده نگرفته‌اند.

به عنوان مثال جمهوری مالدیو خود را به هیچ یک از مواد کنوانسیون که به هر شکلی مستلزم تغییر قانون اساسی یا قوانین عادی این کشور باشد ملتزم نمی‌داند.

■ علت استفاده گسترده کشورهای اسلامی از حق شرط چیست؟

بر اساس کنوانسیون وین، نمی‌توان به عذر و بهانه قوانین داخلی تعهدات بین‌المللی را نقض کرد و جامعه بین‌المللی از دولت‌های عضو انتظار دارد که قوانین داخلی خود را با تعهدات بین‌المللی هماهنگ کنند. اما برخلاف رویکرد صورت‌گرایانه برخی از حقوق‌دانان، برای این که این مقررات در غالب قراردادی یا عرف به تعهدات بین‌المللی تبدیل نشوند، دولت‌های دارنده شرط از تکنیک اعلان تحفظ و روش حقوقی گذاشتن شرط بهره می‌جویند. بنابراین، دولت‌ها با کاربرد تکنیک حق شرط دو هدف بسیار مهم را دنبال می‌کنند: نخست آن که با گذاشتن شرط از قبول هرگونه تعهد بین‌المللی که در معاهدات حقوق بشری مطرح شده است خودداری کرده و در نتیجه بر اساس حقوق معاهداتی و قراردادی هیچ تعهدی ایجاد نشده است تا ملزم باشند قوانین داخلی خود را با تعهد بین‌المللی خود هماهنگ سازند. دوم آن که دولت‌های دارنده شرط قصد دارند تا با مخالفت با مقررات مندرج در این معاهدات مانع از شکل‌گیری عرف بین‌المللی شوند. بسیاری از فعالان حقوق بشر و ارکان مختلف سازمان ملل متحد با ارائه گزارش از آمار و ارقام پیوستن بیشتر دولت‌های جهان به این معاهدات ادعا می‌کنند که نه تنها مقررات موجود در این اسناد که قواعد عرفی حقوق بین‌الملل تقدیر شده‌اند، بلکه پاره‌ای از این مقررات به سطح قواعد آمده حقوق بین‌المللی ارتقا یافته‌اند. اما واقعیت آن است که دولت‌هایی که این شروط ویرانگر و مغایر با هدف معاهده را بر اسناد تصویب خود پیوست می‌کنند، دقیقاً قصد دارند تا از تبدیل شدن این مقررات به قواعد عرفی جلوگیری کنند و به نظر می‌رسد با کاربرد تکنیک تحفظ هوشمندانه این هدف خود را محقق سازند.

نفی تمام صفات زنانه به نفی زن می انجامد

منفی است. رادیکال‌ها مرد را دشمن اصلی و خانواده را ابزار اساسی ستم بر زنان در دست مردان از طریق "بردگی جنسی" و "مادری اجباری" می‌دانند. یعنی معتقدند خانواده هم علت و هم معلول "کم ارج کردن زنان" است. بنابراین ۳ دستورالعمل برای آزادی زنان ارائه می‌کردند ۱- نقش زن خانه دار باید منسوخ گردد. ۲- خانواده باید منسوخ گردد ۳- نقش‌های جنسی باید به طور کلی منسوخ شوند.

■ فمینیست‌ها چگونه تفاوت‌های موجود میان زن و مرد را انکار می‌کنند؟

فمینیسم از متن فرهنگی سربلند کرد که اولاً حتی در متون علمی و فلسفی آن تحقیر زن به دلیل تفاوت‌هایی که با مرد داشت امری مسلم و پذیرفته شده بود، ثانیاً در این فرهنگ زن و مرد نه تنها در کنار هم و به عنوان دو جنس از نوع انسان در نظر گرفته نمی‌شدند بلکه کاملاً در مقابل هم از نوع تقابل خیر و شر دیده می‌شدند. به نظر می‌رسد این نگاه تحقیر آمیز و گاهی خصمانه نسبت به زن عکس العمل طبیعی فمینیست‌ها را در قالب نظریات رادیکالی چون انکار هر گونه تفاوت، معرفی مرد به عنوان دشمن زن در پی داشته است.

■ انکار تفاوت‌ها و مطالبه برابری زن و مرد در حقوق و مسئولیت‌ها تا چه حدی به بهبود وضعیت زنان کمک می‌کند؟

ببینید قانون و حقوق مشترک فرع بر حقیقت مشترک است و تفاوت‌ها و استحقاق‌ها در تعیین حقوق، نقش اصلی و کلیدی دارند به طوری که حقوق مساوی بر اساس استحقاق مساوی و حقوق متفاوت بر پایه تفاوت استحقاق به افراد تعلق می‌گیرد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت هر تفاوت طبیعی و تکوینی باید در قانون لحاظ شود در غیر این صورت قانون دارای ضعف عدم رعایت تناسب و واقع بینی خواهد بود. نکته دیگری که حائز اهمیت است فهم دقیق واژه برابری است. همانگونه که تعریف عدالت به اعطای مواج یکسان و مساوی به تمام افراد بدون لحاظ تفاوت‌های افراد، تعریفی سطحی و یکجانبه نگر است و در عمل به نوعی بی‌عدالتی می‌انجامد، تعریف برابری به بر خورد کاملاً مشابه قانون با تک تک افراد نیز خالی از اشکال نیست. تفکیک بین دو مفهوم "تساوی" و "تشابه" ناشی از فهم دقیق واژه برابری و تساوی وحل مغالطه فمینیسم است که توضیح می‌دهد همیشه تساوی به معنای تشابه نیست در حالی که منظور اصلی فمینیسم از برابری، تشابه همه جانبه حقوق زن و مرد است. در حالی که اعمال اصل تشابه بدون توجه به تفاوت‌های تکوینی اصیل و اجتناب ناپذیر نه تنها تساوی را برقرار نمی‌کند بلکه در عمل به دلیل دخالت تفاوت‌های حقیقی مذکور، این تساوی و برابری به زن و مرد لطمه خواهد زد. از سوی دیگر فارغ از این مسئله داده فمینیسم‌ها در نفی هر گونه تفاوت دلیلی ارائه ندادند، بلکه از صرف ساختگی بودن بعضی از آنها طبق مطالعات جامعه‌شناسی، ساختگی بودن تمام آن‌ها را نتیجه گرفتند، از این نکته نیز غافل ماندند که اگر تمام صفات زنانه رامنسوعی بدانیم چه تعریفی برای زن می‌توان ارائه داد؟ در واقع نفی تمام صفات زنانه به نفی زن می‌انجامد و وقتی زنی وجود نداشته باشد فمینیست‌ها از حقوق چه کسانی می‌خواهند دفاع کنند؟

وزن که عمدتاً ناظر بر ضعف‌ها، ناتوانی‌ها و عقب ماندگی زنان در عرصه علم، اقتصاد و سیاست و ... بود را ناشی از محرومیت‌ها و تبعیض‌های جامعه و به عبارتی ساختگی، غیر حقیقی و غیر اصیل تعریف نمودند. بدین ترتیب فمینیست‌های اولیه در قالب فمینیسم لیبرال، مدعی برابری کامل زن و مرد بودند و هرگونه تفاوت بین این دو را انکار می‌کردند و بر همین اساس، خواهان بر خورد کاملاً برابر قانون با دو جنس شدند و هر قانونی که بر اساس تفاوت‌های جنسیتی شکل می‌گرفت، حتی اگر به نفع زنان بود را مخالف اصل برابری و در جهت تحکیم اصل تفاوت و

در خور "انسان مدرن" شوند و وقتی آموزش به عنوان عنصری ضروری برای پرورش عقل و خرد همگانی در دوران روشنگری مورد تأکید قرار گرفت زنان که خود را محروم از این فرصت جدید می‌دیدند، رفته رفته به این نتیجه رسیدند که از سوی آموزه‌های مدرن، انسان را به طور کلی در خور احترام، استقلال، آزادی و آموزش می‌دانند اما در عمل این آموزه‌ها تنها برای مردان اعمال می‌شود.

■ ولیبرال‌سیم؟

لیبرال‌سیم از سویی بر برابری انسان‌ها، آزادی و حفظ حقوق طبیعی، آن‌ها تا کید می‌کرد و از



در دراز مدت، به ضرر زنان تلقی می‌کردند. برای نمونه، قوانین حمایتی برای زنان را نوعی توهین به زنان و در جهت تضعیف و ناتوان دانستن آن‌ها ارزیابی می‌کردند و معتقد بودند زنان نه تنها در حقوق و مزایا بلکه در وظایف و مسئولیت‌ها نیز باید کاملاً با مردان برابر باشند و هر دو جنس باید به طور مساوی در بیرون از خانه و برای کسب در آمد خانواده کار کنند و هر دو به گونه‌ای کاملاً مساوی متحمل وظایف خانه‌داری و بچه داری شوند.

■ یعنی تعریف جدیدی از خانواده ارائه می‌دادند؟

بله، تأثیرات لیبرال‌سیم در شکل‌گیری نظریه برابری زنان با مردان در فمینیسم لیبرال که

فمینیسم یا دفاع از حقوق زنان، نهضتی اجتماعی است که هدف از آن احراز پایگاهی مساوی با مردان در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی برای زنان است

با تفکیک جنس از جنسیت و ساختگی دانستن زنانگی در فمینیسم رادیکال تعقیب شد آثار قابل توجهی از نگاه فمینیست‌ها به خانواده و مادری داشته است، چرا که خانواده محل اصلی تفکیک نقش‌ها بر اساس جنسیت و خاستگاه مهم‌ترین نقش زنان یعنی مادری است. آن‌ها محدودیت در خانه و محرومیت از آزادی‌ها و فرصت‌های اجتماعی را عامل اصلی فرودستی زنان می‌دانستند و معتقد بودند اگر این محرومیت‌ها بر چیده شود زنان نیز همپای مردان قادر به فکر و عمل عقلانی خواهند بود. اما نگاه فمینیست‌های رادیکال به مسئله خانواده و مادری نگاهی کاملاً

دیر بازی است که صفحه فرهنگ جوامع، با شعارها و عناوینی چون برابری زنان و مردان، دفاع از حقوق زنان، مبارزه با تبعیض جنسیتی، مبارزه با مردسالاری و ... آشنا شده است. ظهور اینگونه مسائل عموماً در قالب جنبش یا نظریه اجتماعی فمینیسم در عرصه فرهنگ و سیاست کشورها و حتی در عرصه بین الملل خود را نشان داده است.

"فمینیسم" چیست و در چه حوزه زمانی و جغرافیایی پدید آمده است؟ چه عواملی در پیدایش آن سهیم بوده‌اند؟ ریشه‌های فکری و نظری فمینیسم را باید در چه مکاتب فکری و فلسفی جست‌وجو کرد؟ و فمینیسم چه جامعه آرمانی برای بهبود وضعیت زنان تعریف می‌کند؟ اینها از جمله مسائلی است که در رابطه با آن با خانم نرجس دروغگر دارای مدرک سطح دو حوزه، کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی و مدرس جامعه الزهرا (س) به گفت‌وگو نشستیم.

■ خانم دروغگر در ابتدا بفرمائید فمینیسم چیست و موضوع آن کدام است؟

فمینیسم یا دفاع از حقوق زنان، نهضتی اجتماعی است که هدف از آن احراز پایگاهی مساوی با مردان در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی برای زنان است. به عبارت دیگر فمینیسم مدعی دفاع و جانبداری از حقوق زنان و عقیده به برابری زن و مرد در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و مبارزه در راه وصول به این برابری است و ایدئولوژی‌ای است که هدف اساسی آن از بین بردن تبعیض، تحقیر، توهین و ستم بر زنان و انداختن سلطه مردان بر جامعه است. فمینیسم را می‌توان یک نظریه اجتماعی دانست که از جهت متکی به زنان است؛ نخست آنکه موضوع عمده تحقیق آن موقعیت‌ها و تجربه‌های زنان در جامعه است. دوم آنکه در صدد است جهان را از دیدگاه متمایز زنان نگاه کند. سوم اینکه نظریه فمینیستی دیدگاهی انتقادی و فعالانه به سود زنان دارد و در پی آن است که جهان بهتری برای زنان بسازد که به نظر آن‌ها بدین ترتیب جهان برای بشریت نیز بهتر خواهد شد.

■ زمینه‌های فکری و فلسفی این جریان چیست؟

مدرنیسم و لیبرال‌سیم را می‌توان دو جریان قوام بخش در آغاز شکل‌گیری جنبش زنان دانست، که شرایط نظری لازم را برای پاکیری نهضت زنان فراهم نمود و علاوه بر آن نظریات و آراء آن همواره در عمق نظریات فمینیستی محسوس بوده است. به گونه‌ای که "تونی پینکنی" یکی از شاخصه‌های کلیدی مدرنیسم را مبارزات فمینیستی عنوان می‌کند. نوگرایی و سنت‌ستیزی رکن اساسی تفکر مدرن است که هرگونه اقتدار، اعتبار و احترام برای گذشته و سنت را انکار کرد و ارزش‌های کهن، از جمله نظم موجود در خانواده را زیر سؤال برد. "انسان محوری" و "فردگرایی" از دیگر ارکان مدرنیسم هستند که بیانگر احترام و اهمیت فوق‌العاده به انسان و ایمان به توانایی شگرف عقل بشری است. طبیعی است که در چنین حال و هوایی زنان نیز به عنوان انسان و صاحب خرد، خواهان احترامی

سویی در عمل این حقوق و امتیازات جدید را تنها در مورد مردان به کار می‌برد. در حالی که آموزش عمومی به عنوان فرصتی برابر در جامعه نهادینه شد، زنان که شاهد کنار گذاشته شدن خود از این فرصت برابر بودند متوجه تناقضاتی عمیق در شعارهای لیبرال‌سیم شدند. چرا که لیبرال‌سیم، از سویی مدعی "حقوق طبیعی انسان" بود و از سویی دیگر نمی‌از انسان‌ها (زنان) را از این حقوق محروم ساخته بود. از سویی دیگر در این عرصه برخی از دانشمندان بر برابری زن و مرد و لزوم توجه به وضعیت زنان تأکید کردند و این اعتقاد را مطرح کردند که حقارت دختران ناشی از تحصیلات محدودتر آنان است نه فرودستی ذاتی یا طبیعی آن‌ها.

■ جنبش فمینیسم از چه زمانی شروع شد؟

معمولاً آغاز جنبش فمینیسم به تاریخ نشر آثار اعتراض آمیز زنان بر می‌گردد. این آثار هر چند قبل از قرن ۱۸ نیز دیده می‌شوند اما از اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ به مجموعه‌ای از کوشش‌های معنی داری تبدیل شد که روز به روز رو به افزایش بود. البته نقطه عطفی که غالباً به عنوان آغاز جنبش فمینیسم از آن یاد می‌شود، اعلامیه حقوق بشر بود که مقاومت‌ها و مبارزات آشکار و صریح زنان را بر می‌انگیخت و این تفکر که اعلامیه حقوق بشر در برگیرنده چیزی جز حقوق مردان نیست باعث شد که جنبش زنان آغاز شود.

■ خواسته اصلی این جنبش چه بود؟

فمینیسم‌ها در بستر آموزه لیبرالی "بر خورداری افراد انسان از حقوق طبیعی به دلیل بهره‌مندی از گوهر عقل" به علاوه آموزه برابری عقل در تمام افراد، خواستار جایگاه کاملاً برابر با مردان برای زنان شدند و هرگونه تفاوت مشهود بین مرد

فمینیسم علت اصلی بروز بحران اخلاقی در غرب است

ستم به زنان یکی از سیاه ترین نقطه های تمدن بشری است، چه در دوره توحش و چه در دوره تجدد به طوری که یکی از جریان های مدعی انحصاری دفاع از حقوق این عده، رویکرد فمینیسمی است. اگر ظهور فمینیسم در ابتدا نشانه وجود ستم نارواد حق این جنس بود، تطویر و پیدایش مملکت های نو به نو فمینیسمی، دلیل عدم کارایی این جریان و روش های به کار رفته در دفاع و تامین حقوق از دست رفته زنان است. در خصوص فمینیسم و پیامدهای آن با مهدي غفاري نوين، کارشناس ارشد الهیات و معارف اسلامی و استاد دانشگاه پیام نور همدان به گفتگو نشستیم که در ادامه از نظر تان خواهد گذشت:

■ فمینیسم مخالف حضور زن در خانه و ایفای نقش مادری است. تا جایی که حتی معتقد است خانواده باید منسوخ گردد. علت این مخالفت با خانواده چیست؟

نادیده گرفتن نهاد اخلاقی و خانواده به جهت آن است که فمینیستها برخلاف فطرت و طبیعت بشری و بدون در نظر گرفتن واقعیتهای آفرینش و هدف آن، درصدد برقراری تشابه و یکنواختی کامل حقوق زن و مرد بودند. این عدم تعامل و افراط گری خود محصول انواع دیگری از افراط و ستم های دیگری در حق زنان در مغرب زمین بوده است. راه حل غلط برای مشکلات و مطالبه ضد زن، انواعی از ستم را به انواع دیگری از ستم تبدیل می کند.

■ علت رواج بی اخلاقی و دین ستیزی در جریانهای فمینیسمی چیست؟

افراطیون فمینیست نمی توانند به ارزشهای دینی معتقد باشند. زیرا مسائل حقوقی و سیاسی و اجتماعی زنان را خارج از قلمرو هر دینی می دانند. بنابراین احکامی مانند حجاب، ممنوعیت سقط جنین، ضابطه مند شدن روابط جنسی و احکام مربوط به خانواده و اخلاق و ارزش های دینی را مصداق ستم به زنان معرفی نموده، در راستای محو آن اقدام می کنند. بدین لحاظ است که در کنوانسیون رفع تبعیض، هر گونه قیدی در روابط زن و مرد، با عنوان تبعیض علیه زنان محکوم شده است. کنوانسیون فوق موردی، موافق با ضوابط اسلام است اما در

سایر بندها، با حدود ۵۰ اصل مسلم اسلامی در تعارض می باشد.

■ وجه مخالف اسلام با فمینیسم در چیست؟

اسلام دینی غیر قابل جمع با سکولاریسم است. مسلمین معتقد به جامعیت و شمول دین نسبت به امور اجتماعی و مدنی و معتقد به پیوند دنیا و آخرت اند. از نظر اسلام قانون شایسته قانونی است که مبتنی به مصالح و مفاسد واقعی باشد و این متوقف بر شناخت کامل و تمام ابعاد جسمی و روحی و نیازها، غرایز و استعدادها و کمال انسانی و راه رسیدن به آن است حال آنکه روز به روز و با پیشرفت دانش بشری چهل بشر بیشتر مکشوف می گردد و لذا قوانین بشری همواره دستخوش تغییر و تحول است. در نگاه اومانستی پیروان فمینیسم خواست انسان معیار و مقیاس همه چیز است و انسان خالق همه ارزشها و ملاک خیر و شر می شود. در واقع انسان جای خدا می نشیند و قادر است بدون مدنظر قرار دادن دین و ارتباط با ماوراء طبیعت مشکلات زندگی و دنیای خود را حل کند. در حالی که اگر هوس انسان ملاک و محور همه امور باشد، حقوق به نوعی حل المسائل مبتنی بر تجربه مبدل می شود که به نام انسان و انسانیت هذفی جزء تامین منافع مادی هر چه بیشتر ندارد و سایر مصالح انسان را لحاظ نمی کند و لذا امروزه شاهد رسمیت یافتن بسیاری شیوه های خلاف اخلاق و عفت در جوامع هستیم که حقوق را در خدمت هوس ها و خواسته های انسان می دانند.

■ طرفداران فمینیسم در اثبات درستی نظریات خود به آزادی انسان استناد می کنند.

■ نظر اسلام در این خصوص چیست؟
آزادی را باید به درستی معنی کنیم. در اسلام آزادی بستر حرکت تکاملی انسان است لذا از ارزش والایی برخوردار است و وصول به مقام شامخ انسانیت یعنی خلاف الهی، جز در پرتو آزادی های صحیح انسانی ممکن نیست ولی نباید از یاد برد که خالق بشر او را آزاد اما هدفمند و مسئول آفریده است. پس آزادی باید در خدمت هدف خلقت که تکامل انسانی و رسیدن به قرب الی الله است قرار گیرد. در اسلام آزادی حرمت

دارد اما در پارچوب سعادت و کمال انسانی محدود می گردد. زیرا حرمت آزادی از حرمت خود انسان بیشتر است. آزادی در اسلام هرگز به صورت مطلق و بدون حد و مرز توجیهی ندارد. در اسلام انسان در مقابل دیگران آزاد است اما در برابر خدا و آنچه او فرموده است متعهد است.

■ آیا انتقاد از فمینیسم یعنی مخالفت با حقوق زنان؟

بی تردید نه "مدافع حقوق زن" لزوماً فمینیسم است و نه یک "منتقد فمینیسم" حتماً مخالف حقوق زنان است، لذا امر مهم دفاع از حقوق و منزلت انسانی زن را نیز با مرام فمینیسم نباید مساوی انگاشت.

■ آیا فمینیسم پیامد مثبتی هم داشته؟

بله، فمینیسم دو پیامد مثبت نیز به همراه داشته است. اول اینکه هر چند فمینیسم در اوایل به عنوان جنبش استیفای حقوق زنان ظهور کرد لیکن امروزه به مشابه مینا یا مند مطالعه در اکثر حوزه های علوم انسانی و گاه حتی در حوزه علوم طبیعی حضور یافته است و دوم اینکه سعی در از بین بردن تبعیضات و ستم های ناروای جنسیتی، مشارکت سیاسی، اجتماعی زنان، بر خور داری از حق مالکیت و استقلال اقتصادی، اعتماد، نقش زنان برای حضور در صحنه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، ارتقای سطح علمی و فرهنگی و هنری زنان از دیگر پیامدهای مثبت جنبش فمینیسم به شمار می آید اما در کنار این نکات، بهایی که برای به دست آمدن این ویژگی ها پرداخت شده را نیز نباید از خاطر برد. مهم ترین پیامد منفی این جنبش فرو پاشی بنیان خانواده است. یکی از مهم ترین برنامه های فمینیستها دگرگونی در ساختار خانواده و سوق دادن زنان به مشاغل عمومی و تضعیف نقش ویژه مادران در نهاد خانواده می باشد. بر عقیده سیمون دوبوار آنچه زن را در قید بندگی نگه می دارد دو نهاد عهده از دواج و مادری است. وی نظام خانواده را به عنوان رکنی برای حیات اجتماعی و پرورش انسانهای سالم به شدت مورد حمله قرار می دهد و از دواج را نوعی فحشای عمومی و عامل بدبختی زنان می داند.

■ آیا اسلام با حضور زن در اجتماع مخالف است؟

اسلام موافق انحصاری کردن کارکرد زنان بر نقش مادری و کارخانه نیست و حضور زنان در عرصه های مختلف اجتماعی را البته با رعایت حدود و ضوابط ضروری می داند اما در اسلام خانواده هسته اصلی جامعه است و از این رو با تاکید بر ازدواج، ارتباطات جنسی بی بندوبار و بی قید و شرط را ممنوع دانسته است. در این راستا حفظ حجاب را واجب، نگاه به نامحرم را محدود و در صورت هوس آلود بودن حجام دانسته است چرا که هم مضر به کمال شخصی انسان است و هم تزلزل، ضعف و انهدام خانواده را در پی دارد.

■ جنبش فمینیسم چه مشکلاتی را برای زنان به وجود آورده است؟

جدا از بحث فرو پاشی بنیان خانواده که عرض کردم، فمینیسم علت اصلی بروز بحران اخلاقی در غرب است. شیوع روابط جنسی ضد فطری و همچنین همجنس بازی، خود ارضایی و... سبب شیوع بیماریهای جسمی و روحی بی شمار گردیده است. همچنین رویکرد اساسی گرایش هایی چون فمینیسم رادیکان نه تنها دامن زدن به تقابل و تعارض میان زن و مرد است بلکه با تلاش برای از بین بردن هر گونه تمایز و تفاوت های جنسی قصد دارد تفاوت میان دو جنس را نه تنها در عرصه قانون و اشتغال، بلکه در روابط شخصی نیز مورد تعرض قرار دهد. از سوی دیگر پرداختن یک سو به و شتابزده به برخی از ارزشهای از دست رفته زنان نظیر حق رای و مالکیت و مشارکت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی موجب شده که بسیاری از ارزشهای دیگر همچون همسری و مادری مورد غفلت یا حمله قرار گیرد. سلب مسئولیت اقتصادی از مردان و روانه کردن زنان به محیط کار نیز با توجه به محدودیت جسمی زنان و نابرابری شرایط در عمل بر اساس آمارهای سازمانهای بین المللی بر فقر بسیاری از زنان انجامید، ضمن اینکه سوء استفاده های سیاسی و اقتصادی از زنان باعث شده است چهره ظلم به زنان عوض شود و در جهان معاصر نوعی بردگی جدید جایگزین بردگی سنتی شد.

دکتر خاستگاه، استاد دانشگاه آزاد واحد ساوه:

فمینیسم به نام دفاع از حقوق زن ظلم مضاعفی به زنان روا می دارد

نهضت فمینیسم در دهه اخیر از مباحث چالش برانگیز در مباحث اجتماعی اسلامی می باشد خصوصاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران که به مسائل مربوط به حقوق زنان نگاه جدیدی شده است و سعی در نقادی منظر فمینیستی در عین تبیین جایگاه حقوقی، خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی و... زنان گردیده است. در خصوص آسیب شناسی نهضت فمینیسم و آفات و تبعات منفی آن با دکتر محمود قیوم زاده، استاد دانشگاه آزاد واحد ساوه به گفتگو پرداخته ایم.

■ آقای دکتر خاستگاه تاریخی فمینیسم کجاست؟

درباره خاستگاه تاریخی فمینیسم نظرها و آرای مختلفی از سوی فمینیستها بیان شده است به گونه ای که عده ای می پندارند: فمینیسم همواره وجود داشته است یعنی از زمانی که زنان تحت

تابعیت قرار گرفته اند در برابر آن مقاومت کرده اند. برخی فمینیستها نیز افلاطون را اولین فمینیست تاریخ می دانند اما اگر چه افلاطون حقوق مساوی زن و مرد را در بخش امور چون آموزش و دفاع مطرح می کرد ولی وی زنان را ناتوان تر از مردان می دانست. اما واقعیت این است که فمینیسم به عنوان یک ایدئولوژی و متشکل تنها در طول ۳۰۰ سال اخیر پا به عرصه وجود نهاد. فمینیسم سازمان یافته همزمان با رشد سرمایه داری و تغییر و تحولات سیاسی و اقتصادی ناشی از آن ظهور کرد.

■ نگاه جنسیتی فمینیسم به دین چه پیامدهایی را در پی داشته است؟

نکته قابل بیان در مورد نگرش فمینیستها در باب دین این است که آن ها در انتقادات خود تنها به آیین مسیح بسنده نکرده اند، بلکه تمام ادیان

را در ایجاد پدرسالاری و تبعیض علیه زنان مورد نقد قرار می دهند. اینان معتقدند که در دنیای جدید برداشت های محافظه کارانه از ادیان ابراهیمی شامل یهودیت، مسیحیت و اسلام در تعارض و تضاد با مدرنیته و اشکال لیبرال دین قرار دارد. هنگامی که موج نخست فمینیسم ایجاد گردید به منظور انتقاد از سلطه مردان جامعه، در ابتدا به نقد ادیان پرداختند. هر چند معتقد بودند که تمامی ادیان زنان را تحقیر نموده و زنان نیز در طی تاریخ آن را پذیرفته اند، اما در این میان آیین مسیحیت و کلیسا آماج بیشترین انتقادات و حملات قرار گرفت.

■ در کشور ما نیز برخی صحبت از فمینیسم اسلامی می کنند، به نظر شما بر داشت فمینیستی از اسلام چقدر می توانند صحیح باشند؟

درباره این که آیا اصلاً چیزی به نام فمینیسم

اسلامی وجود دارد یا خیر اختلاف وجود دارد و باید مفصل بحث شود زیرا از نگاه برخی مسلمانان، مونث کیشی یک مزاح بی مزه و همسنگ "اسلام آمریکایی" است و از دیدگاه دیگری مونث گرایی دارای شعارهای سطحی است و برای جامعه ما و صله ای ناچسب است و یا این که ظهور فمینیسم و رواج آن نشانه بحران در تفکر معاصر غربی است زیرا به گونه ای آشکار در ستیز با واقعیت های طبیعت انسانی قرار دارد. لذا برخی گروه های فکری اسلامی سخن از مؤنث گرایی اسلامی را نه تنها مضحک بلکه اهانت به زنان مسلمان دانسته اند.

■ لطفاً برخی آفت هایی که جریان فمینیسم با آن مواجه بوده است را برای خوانندگان ما توضیح بدهید.

ادامه در صفحه ۸



سیاوش پور طهماسبی، استاد
دانشگاه آزاد واحد بيله سوار اردبیل:

فمینیسم تحقیر زنان است

درباره زن و جایگاه زن نظریات بسیاری ارائه شده و هر یک از این ها خود را به نوعی مدافع حقوق زنان می دانند اما این که در نهایت کدام نظریات می توانند ضامن کرامت و عزتمندی زن باشند جای بحث فراوان دارد.

"آوای نهاد" در گفت و گو با سیاوش پور طهماسبی، استاد دانشگاه آزاد واحد بيله سوار اردبیل در خصوص تفاوت های نگاه فمینیسمی غرب به زن با باورهای اسلامی به گفت و گو نشسته که در ادامه می خوانید:

■ جایگاه و شأن زن در الهیات فمینیسمی چیست؟!

به طور کلی نظریه های الهیات فمینیسمی در مورد جایگاه زن را می توان در سه گروه جای داد، گروه نخست دیدگاه کسانی است که با نظر علمای دینی درباره زن و مرد مدار بودن الهیات سنتی در چالش اند، گروه دوم نگرشی است که با احکام دینی ای که زنان را از انتصاب به مقامات روحانی باز می دارد در ستیز است و گروه سوم نیز کلیسا را یک نهاد می داند و هدفش ارتقای موقعیت حرفه ای زنان در کلیسا است. علمای الهیات فمینیسمی با استفاده دائمی از واژه های مذکر برای خدا و روح القدس اعتراض دارند. به طوری که فمینیست های رادیکال تأکید نمودند که بر خلاف دید سنتی "صورت پایه انسانی" صورتی زنانه است. کرو موزوم جنس مونث کامل تر از جنس مذکر است و کروموزوم "Y" که منجر به شکل گیری جنس

مذکر می شود نیمی از گونه ها را ندارد و بنابراین مردانگی نیز چیزی نیست جز زایدی بر ساختار بنیادی زنانه. و به این ترتیب شان و جایگاه انسانی زن با تحلیل موقعیت کرو موزوم ها و نگرش ظاهری به او و غافل شدن از روح متعالی و درون پر رمز و راز او صورت می گرفت و به خوبی روشن است که این نوع انسان شناسی از مقوله انسان شناسی های تجربی و بدون توجه به بطن وجودی زن به عنوان یک انسان است. بعضاً نیز بر خوردی انتقامجی در برابر کسانی بود که زن را دارای مقام و شان انسانی نمی دیدند.

■ قطعاً این رفتار واکنشی به پر خرد های زننده و تحقیر آمیز کلیسا با زنان بود. اما این گروه چگونه می خواستند حقوق از دست رفته زن را به او باز گردانند؟

به نظر دین شناسان فمینیسم یکی از راه های احیای منزلت زن احیای خدای مونث است. آن ها معتقدند نمادهای خدای مونث هنوز هم می تواند با مرد سالاری سر کوبگر ادیان موجود مقابله کند. آن ها جوامع مرد سالار غربی را متهم کردند که خدایا شبیه خود می سازند.

■ خوب این جایگزینی خدای مونث تا چه حد توانست منزلت زنان را باز گرداند؟

فمینیسم و به دنبال آن الهیات فمینیسمی نه تنها به هدف خود دست نیافت بلکه ماهیت آن را نیز تغییر داد. به گونه ای که برای حفظ کبان حقوق



زن و به بهانه رفع تبعیض علیه زنان، آنان را اسیر آزادی های افسار گسیخته نمود تا جایی که امروز برای بهبود بخشیدن نظام اجتماعی خود نیز دچار مشکل شده اند. برای زن آزادی نوشتند ولی برای او اسارت رقم خورد، برای او منزلت خواستند و حقارتی مجدد پدید آمد.

■ از الهیات فمینیسمی گفتید: لطفا کمی

برایمان از نگاه فمینیسم به دین و دشمنی آن ها با خانواده بگویید؟

فمینیست ها نگاهی بسیار بدبینانه به دین و خانواده دارند. به نظر آن ها دین ساخته و پرداخته مردان بوده است تا از طریق آن بتوانند زنان را تحت سلطه خویش قرار دهند خانواده نیز موجب تحقیر و تبعیض زنان است خانم مار تاناسام معتقد است: بی رحمانه ترین تبعیض ها نسبت به دختران از محیط خانواده شروع می شود. آن ها معتقد بودند خانواده و نقش مادری باید به کلی منسوخ گردد. آن ها همچنین به دنبال تساوی همه جانبه زن و مرد و آزادی مطلق زنان و نفی وابستگی به مرد هستند. به گونه ای که یکی از آرمان های فمینیستی که به عنوان یکی از حقوق انسانی زنان شمرده می شود این است که زنان در هیچ موردی حتی در امر تولید مثل نیاز به مردان ندارند.

■ قائل بودن به تساوی زن و مرد در حقوق چه ایراداتی را در پی دارد؟

روشن است که در برابر هر استعدادی وجود حقی برای انسان ثابت است. یعنی هر استعدادی سند یک حق برای انسان است و بر اساس همین حقوق طبیعی، وظایفی متناسب با غرایز فطری و توان فردی برای انسان ها معین می گردد چنان که آیه قرآن می فرماید: "لا یكلف الله نفساً الا وسعها". زن نیز به جهت رسالت اصلی خود که تولید مثل و پرورش کودک و تربیت نسل آینده انسان در دامن پر مهر و محبت خویش می باشد باید روحیات و عواطفی بسیار لطیف و در عین حال انعطاف پذیر داشته باشد. این ها همه حاکی از توجه دقیق و ظریف دین به مسئولیت های متناسب با طبیعت وجودی آن ها است که خود به معنای ارزشمند دانستن این گوهر وجودی و باز شناسی شان و جایگاه والای آن است.

■ اشارهای داشتید به نگاه اسلام به جایگاه زن. بد نیست مقایسه ای هم میان دستاوردهای فمینیسم و دکترین مهدویت در خصوص زنان داشته باشیم.

در مقام مقایسه می توان به دستاوردهای دو مکتب در خصوص امنیت، اخلاق، جایگاه زن در خانواده و اجتماع و آزادی زن اشاره کرد. به عنوان مثال در جوامع غربی با شعار استقلال آزادی و کسب قدرت زنان در قالب فمینیسم، امروزه اساس بنیان خانواده فرور ریخته و ازدواج های غیر رسمی و طلاق های مکرر و فراوان بنیان فرهنگ و تمدن غربی را متزلزل

ساخته است. گر چه فمینیسم در واقع، زن گرای و مبارزه با تحقیر زنان و زن ستیزی است اما این نهضت امروزه، خود به تحقیر زنان می پردازد. هر چند هدف اصلی نهضت فمینیسم مبارزه با تبعیض و بی ارزش شمردن زنان از سوی مردان بوده، اما امروز نقش بی اعتباری و بی منزلت ساختن زنان را خود آنان بر عهده دارند. در مقابل دکترین مهدویت که از ابتدا نگرش عزتمندانه ای به زن دارند نه تنها منزلت و جایگاه انسانی زن را تنزل نداده بلکه هویت انسانی و کمال یابی او را با مردان یکسان دانسته و تفاوت میان این دو را تنها در تقسیم نوع وظایف و مسئولیت های ما داند که آن هم ناشی از احترام خاص این تفکر به ویژگی های طبیعی زن می باشد ضمن این که متاسفانه امروز در عصر پست مدرنیسم، به رغم بهبود وضعیت زنان نسبت به گذشته زنان به گونه ای دیگر عصر برده داری را سپری می کنند و وضعیت آنان در جوامع مدنی غربی بسیار رقت بار است. زن غربی هنوز به عنوان کالای جنسی در تبلیغات استفاده می شود و به آنان مانند یک ابزار نگاه می شود نه یک موجود انسانی. جالب این است که فمینیست ها این امر را به عنوان پیروزی بزرگ مبارزات خود قلمداد می کنند. در حالی که دکترین مهدویت نه تنها با گنبدی زن مخالف است بلکه افراط فمینیست ها را نیز نمی پذیرد و با آزاد نمودن هر گونه حضور زن در جامعه که موجبات انحرافات متعدد اخلاقی را فراهم می سازد نیز مخالف است چرا که لازمه انتظار این است که شیعه مهدی (عج) چه مرد و چه زن در اصلاح نفس خود کوشش کند و اخلاق خویش را نیکو نماید. یکی از پیامدهای منفی نهضت فمینیسم ایجاد تقابل و تضاد شدید میان مرد و زن است.

■ دکترین مهدویت با این موضوع چگونه بر خورد نموده است؟

خود این نزاع زمینه بروز ناهنجاری و نزاع های خانوادگی و نیز تنزل بنیان خانواده و وقوع طلاق های فراوان شده است. این در حالی است که بر خلاف دیدگاه فرد گرایی غربی اندیشمندان اسلامی از خانواده به عنوان هسته اصلی و واحد بنیادین اجتماع یاد کرده و رشد و تعالی انسان ها را در گرو حراست از کانون خانواده دانسته اند. در تفکر اسلام و به تبع آن در دکترین مهدویت استحکام و خوشبختی هر جامعه ای مرهون تربیت خانوادگی افراد آن است و نقش اساسی در خانواد نیز بر عهده مادر است.

استاد دانشگاه آزاد واحد ساوه:

فمینیسم به نام دفاع از حقوق زن ظلم مضاعفی به زنان روا می دارد

ادامه از صفحه ۷

افراط و تفریط همیشه تاریخ بزرگ ترین قربانگاه حقیقت بوده است. روزگاری انسان را مساوی مذکر می دانستند و زن را در اعداد اسیر جانوران می انگاشتند و این بینش ضد دینی، ضد انسانی و ضد علمی منشأ ظلم های بی شمار در حق زنان گردید. امروز هم فمینیسم رادیکال با توجهات غیر علمی افراط آمیز به صفات زنانه و تفاوت های فیزیولوژیکی زنان بر «برتر انگاری زنان» پای می فشارد! یک انگاره غلط را به انگاره غلط دیگر نمی توان زدود. دفاع بد زبانبار تر از حمله خوب است. از دیگر آفات روش فمینیسم صدور حکم و اجاب برای موضوعات مختلف است. با توجه به تفاوت های عمیق شرایط علمی، مذهبی، شغلی، آداب و رسوم و همچنین تنوع ستم های روا شده بر زنان حقوق و شیوه های تأمین آن در هر جامعه و برای هر گروه از زنان باید جداگانه مورد مطالعه و عمل قرار گیرد. بسا که تجویز نسخه های عام و کور، در جامعه بیمار انسانی کنونی را تشدید کرده حتی سبب بروز عوارض نامطلوب و بیماری های جدید می گردد!

از جایگاه رفیع انسانی او است. لازمه نشان بودن زن "مرد شدن" او نیست، برای احراز شأن متعالی زن باید او را "انسان" تعریف کنیم نه "مرد". تشبیه زنان به مردان اذعان به برتری مردان است و این نه با تحقیر مفرط مرد توسط فمینیسم افراطی سازگار است و نه با شأن و منزلت محترم زن.

تبعات ناهنجار فمینیسم برای زنان چه بوده است؟ به عنوان نمونه برخی از این تبعات عبارتند از: مسئله دختران و پسران بی کاشانه و جوانان اسیر عقده های سایه سار پدر نچشیده و عطر مادر نشنیده که جامعه مدنی را تهدید می کند. این همه دستاورد تئوری هایی چون "معاشقه آزاد"، "زنشویی کمونی"، "وصلت های آزاد"، "مادر مجرد"، "ازدواج سهامی" و... است. نخستین چیزی که زنان در مواجهه با شعار های فمینیستی می یابند، گوهر "بهداشت روانی" است، بحران روحی زنان بی عاقبت و بی پناه، غمزه و بیهوده زی، گره کور دیگر کلاف سردرگم معضلات اجتماعی دنیای مدرن است: زن غربی "آزادی

حقیقی" را با "احساس آزادی" که تنها یک حالت کاذب روانی است، عوض کرده است، لهدا همین که با لحظه ای بازگشت به خویش و اندکی خودکامی دروغین بودن این حالت را در می کند با هجوم بی تابانه عوارض یاد شده مواجه می گردد! بحران اخلاقی که اختاپوس وار حیات و هستی انسان غربی را فرا گرفته است از جمله معلول شعارها و رفتارهای تندروانه فمینیستی است. در آغاز عصر جدید، بورژوازی به قصد بهره برداری استثمارگرانه از زن در کوره شعار های فمینیستی دمید، به نام رهاندن زن از کار منزل و وظایف خانواده هسته ای، زن را به عنوان نیروی کار ارزان و مطیع به خدمت در کارخانه واداشت و به خدمتکاری جامعه گماشت و در سمت جدید نیز جنس پست های پست و غیر کلیدی و مشاغل خانگی و شبه خانگی به وی سپرده نشد ضمن این که موارد سوء استفاده های سیاسی از جنبش فمینیسم مانند به کار گیری زنان در جهت منافع ایدئولوژیکی و حزبی نیز کمتر از سوء استفاده های اقتصادی نیست.